

## دو فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره هفتم - زمستان ۱۴۰۰ - ص ۱۰۷-۱۲۲

# راهکارهای تحقق توسعه پایدار با تکیه بر اصل ۴۴ قانون اساسی<sup>۱</sup>

محسن محمدی<sup>۲</sup>

محمد شجاعی کمک سفلی<sup>۳</sup>

### چکیده

توسعه در لغت به معنی گسترش و بهبود است. توسعه اگرچه دارای بعد کمی نیز می باشد، اما در اصل دارای ابعاد کیفی است. توسعه اقتصادی فرآیندی است که در آن یک رشته تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقوع می پیوندد و به مرحله بالاتری از پیدایش شرف اقتصادی می رسد. به این ترتیب، می توان گفت رشد جزئی از توسعه است و همراه با توسعه اقتصادی حتماً رشد اقتصادی - اگرچه با تأخیر زمانی - حاصل می شود. در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی راهکارهای تحقق توسعه پایدار بر اصل ۴۴ قانون اساسی پرداخته ایم و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که از جمله راهکارهای تحقق این موضوع اصلاح سیستم اداری و سازمانی، اصلاح سیستم مدیریت، اصلاح ساختارهای اقتصادی و بقیه موارد می توان اشاره نمود.

واژگان کلیدی: راهکار، توسعه پایدار، اصل ۴۴ قانون اساسی

۱ - تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

۲ - کارشناس ارشد حقوق عمومی.

۳ - کارشناس ارشد حقوق خصوصی.

## مقدمه

قدمت رشد و توسعه به اندازه دانش اقتصاد است. اقتصاددانان بزرگ کلاسیک در سده‌های هجدهم و نوزدهم، همه اقتصاددانان توسعه بوده‌اند و در چگونگی پیشرفت ملت‌ها سخن گفته‌اند. پیشرفت و رفاه مادی انسان‌ها و ملت‌ها به گونه‌ای سنتی در پژوهش‌های اقتصادی جای داشته، و از زمینه‌های مهم مطالعات اقتصاددانان متقدم به شمار رفته است. ریکاردو، مالتوس، استوارت میل و کارل مارکس همگی تا اندازه‌ای با نتایج و پیشرفت اقتصادی سروکار داشته‌اند؛ با وجود این، توسعه به معنای کوشش آگاهانه، نهادی و برنامه‌ریزی شده از اوایل قرن بیستم، ابتدا در کشورهای دارای برنامه‌ریزی متمرکز و به دنبال آن و پس از پایان جنگ جهانی دوم مورد توجه اغلب کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین قرار گرفت. قابل توجه است که تا اوایل دهه ۱۹۷۰، توسعه معادل بارش فیزیکی و به معنای انباشت سرمایه مطرح بود و در کشورهای اروپایی به طور عمده به مفهوم بهره‌برداری از منابع طبیعی کشورهای مستعمره و گشودن بازارها برای منافع آن کشورها بود. از اوایل دهه ۱۹۷۰، در رویکردهای علمی به توسعه، تجدیدنظر اساسی پدید آمد و توسعه اقتصادی، فراگردی در نظر گرفته شد که تغییرات در عوامل غیرکمی مانند نهادها، سازمان‌ها و فرهنگ را هم در برمی‌گیرد. بهبود آموزش و بهداشت، و توجه به سرمایه انسانی کنار سرمایه فیزیکی حاصل این تحولات بود.

## راهکارهای تحقق توسعه پایدار با تکیه بر اصل ۴۴ قانون اساسی:

### اصلاح سیستم های اداری، سازمانی:

سیستم های اداری، سازمانی توسعه باید حامی تفکر و ذهنیت مترتب بر توسعه و تسهیل کننده تحقق اهداف آن باشند. چون الگوی توسعه، خود یک سیستم است، بایستی سیستم های اجتماعی در قالب سازمانها، آن را در خود ایجاد کنند و به آن عینیت ببخشند.

الگوی توسعه به کالبد مناسب نیازمند است و سیستم های اداری، سازمانی - قانونی، وسایل مهمی هستند که به منظور استمرار و تداوم نظام حکومتی، تحقق اهداف حکومت، فراهم آوردن زمینه های آماده سازی جامعه جهت پذیرش تغییرات و دگرگونیهای ناشی از توسعه اجتماعی و اقتصادی مورد استفاده قرار می گیرند.

سیستم های اداری، سازمانی می توانند با بسط مشارکت مردم، گامهای موثری برای توسعه و عرضه خدمات عمومی بردارند و ضمن نهادینه کردن این موضوع، به تقویت کیفیت آن از طریق درک و قبول مسئولیت و تعقیب منظم تغییر و تحولات اجتماعی اقدام کنند.

بنابراین با هدف نهادینه کردن توسعه پایدار و پویا و تسریع در اجرای اصل ۴۴ بایستی درسیستم های اداری - سازمانی جامعه، اصلاحاتی به شرح زیر انجام گیرد:

### اصلاح سیستم های مدیریتی از مدیریت سنتی سیاسی دولتی به سمت مدیریت دولتی نوین و

### دولت کارآفرین.

مدیریت دولتی سنتی به دنبال ساختارهای ایستا و تغییرات کم بوده است و مدیران در چنین سیستم مدیریتی، آنچه را درباره نیازهای مردم تشخیص می دادند، ارائه می کردند و در برابر مردم (شهروندان) پاسخگو نبودند. اما مدیریت دولتی نوین به دنبال ساختارهای پویا و تغییرپذیر است.

اشکال تغییر پذیری سازمانی، ساختارهای انعطاف پذیر، تمرکز زدایی، آموزش حساسیت، بهبود سازمانی و مشارکت همه افراد و توجه به کارایی و پاسخگویی در برابر مردم از ویژگیهای مدیریت دولتی نوین است. مدیریت دولتی نوین تنها به دنبال اقتصاد بهتر نیست، بلکه به دنبال سیاستهای اجرایی برای بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه، توسعه و تقویت نهادهای حل مشکلات عمومی جامعه و تشویق مدیران به باز کردن درهای سازمان به روی مردم و شهروندان و گوش دادن به آنچه آنها درباره نیازهایشان می گویند و ارائه خدمت با توجه به نیازهایشان است.

مدیریت دولتی نوین متعهد به برقراری عدالت اجتماعی و به دنبال حل مشکلات جامعه است. ویژگی مهم رویکرد نوین مدیریت دولتی جدید جلب مشارکت مردم در انجام امور و سپردن کارها به دست آنان است.

### **استقرار و توسعه سیستم های پاسخگویی:**

توسعه پایدار و پویا نیازمند ایجاد و توسعه یک سیستم پاسخگویی مقتدر و کارا و اثربخش است. هدف از ایجاد چنین سیستمی، ایجاد یکپارچگی، انسجام در فرایند پاسخگویی و احقاق ارباب رجوع با توجه به استعدادها و توانمندیهای نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداری است. کارکرد صحیح و اثربخش یک نظام پاسخگویی از طریق جریان آزاد اطلاعات درباره کارکرد بخشهای مختلف فعال جامعه تضمین می شود که در نتیجه نقد و

بررسی کارکرد را برای آحاد مردم فراهم می کند. یک سیستم پاسخگویی صحیح بر مبنای نظارت، شفافیت عملیات و کارکرد، رسیدگی به شکایات بنیان گذاشته می شود.<sup>۴</sup>

## اصلاح ساختارهای اقتصادی:

ساختارهای اقتصادی در هر جامعه ای زمینه ساز و تسهیل کننده رشد و توسعه اقتصادی به شمار می آیند. برنامه اقتصادی اسلام، فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تامین امکانات مساوی و مناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی برعهده حکومت اسلامی است.

دراقتصاد سالم، جریان ثروت و منابع اولیه به گونه ای به یکدیگر مرتبط می گردند که بر ثروت به عنوان پایه ای از پایه های زندگی بیفزاید و قدرت مالی را در تحصیل مسائل مادی و معنوی زندگی مضاعف کند، که این امر منوط به رعایت دو شرط است:

الف- منابع ثروت آزاد باشد و درجایی حبس نشود و در انحصار فرد یا گروه خاصی قرار نگیرد.

ب- فعالیتها آزاد و محترم باشند، یعنی ثمره فعالیت به فعال برگردد.

از این رو توسعه پایدار و پویا در پرتو اصلاح ساختارهای اقتصادی در قالب برنامه اقتصادی اسلام تحقق می پذیرد که بایستی در ساختارهای اقتصادی جامعه، اصلاحاتی به شرح زیر انجام گیرد:

## اصلاح ساختار بازارهای مالی:

<sup>۴</sup> فلاحتی، مریم، توسعه انسانی و کار شایسته، کار و جامعه، ۱۳۸۵، ش ۷۳-۷۴، موسسه کار و تامین اجتماعی، ص: ۶۶-۷۰

سرمایه نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی دارد. افزایش حجم سرمایه، هم مستقیماً یکی از عوامل تولید است و هم از طریق افزایش بهره وری سایر عوامل تولید سبب بالا رفتن اشتغال، تولید و رفاه جامعه می‌شود. رشد و توسعه پایدار اقتصادی در کشور ایجاب می‌کند که با اصلاح ساختار بازارهای مالی از جمله بانک‌ها و تدوین قوانین و مقررات لازم، کارایی نظام بانکی افزایش یابد و از فرار سرمایه‌ها جلوگیری شود.

### **اصلاح ساختار مالکیت از مالکیت صرف دولتی یا خصوصی به سمت مالکیت مختلط:**

مالکیت یکی از عناصری است که در تعیین نوع نظام اقتصادی هر جامعه ای نقش بسزایی ایفا می‌کند. اندیشمندان نظام اسلامی با بهره مندی از آیات قرآن کریم با ملاحظه انواع مالکیت، ساختار مالکیت مختلط را طرح کرده اند که بر اساس آن به سه نوع مالکیت دولتی، عمومی و خصوصی اشاره کرده اند. نظام اقتصاد اسلامی با طرح ساختار مالکیت مختلط اهداف متعددی را دنبال می‌کند.

از یک سو با ارزش قائل شدن برای مالکیت خصوصی می‌خواهد انگیزه کار و فعالیت و سرمایه گذاری برای تک تک افراد فراهم آورد و از سوی دیگر با طرح مالکیت عمومی می‌خواهد روحیه تعاون و همکاری بین مردم ایجاد کند و نوعی اتحاد و انسجام بین آحاد جامعه فراهم آورد و همچنین با طرح مالکیت دولتی و در اختیار گذاردن ثروتهای عمومی و طبیعی در اختیار دولت اسلامی می‌خواهد زمینه تحقق عدالت اقتصادی و به تبع آن عدالت اجتماعی را فراهم آورد و گردش ثروت را در همه طبقات جامعه تضمین کند.

### **اصلاح سیستم مالیاتی جامعه:**

در عصر جدید، مالیات یکی از ابزارهای اصلی اقتصادی در دست دولت هاست که دولت ها به واسطه آن می‌توانند سیاست های گوناگونی با توجه به شرایط و مقتضیات زمان اعمال کنند.

دولت ها با در پیش گرفتن سیاست های مالیاتی، سه هدف اساسی: تامین بخشی از هزینه های دولت، سیاست گذاری و تخصیص بهینه منابع و برقراری عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت را دنبال می کنند. در نتیجه ساختار یک نظام مالیاتی منعطف و متناسب با شرایط و مقتضیات زمان می تواند علاوه بر دستیابی به اهداف مورد نظر، عدالت اقتصادی را در جامعه تامین و گسترش دهد که در طراحی و اصلاح نظام مالیاتی باید پنج اصل عمده مورد توجه قرار گیرد: الف- عادلانه بودن نظام مالیاتی به گونه ای که مردم احساس اجحاف از سوی دولت نکنند.

به عبارت دیگر نظام مالیاتی باید با مفهوم عدالت اجتماعی در جامعه هماهنگی داشته باشد. ب- کارا بودن نظام مالیاتی به گونه ای که از اهداف مطلوب مورد نظر دور نشود.

پ- قابلیت پیاده سازی نظام مالیاتی. ت- متناسب و منعطف کردن آن با ظرفیتهای مالیاتی. ث- توجه به کشش مالیاتی جامعه.

انحصار چه در بخش خصوصی و چه دولتی باشد، باعث جلوگیری از ورود دیگر استعدادهای به عرصه تولید و به تبع آن تحقق نیافتن توسعه پایدار می شود.

### **حذف انحصارهای مطلق و نسبی دولتی، نیمه دولتی و خصوصی و تشویق رقابت سالم:**

انحصار به معنای در اختیار گرفتن حقوق قانونی یک فعالیت اقتصادی یا یک فناوری جدید است. اختصاص این حقوق قانونی به یک شخص حقیقی یا حقوقی سبب می شود که سایر اشخاص از دسترسی یافتن به آن محروم شوند.

تحت این شرایط ممکن است از یک سو، تولیدکننده انحصارگر از نبود رقیب در فعالیت اقتصادی انحصاری سوء استفاده و نظرات خود را به دیگران تحمیل کند که این موضوع نه تنها منافع مصرف کنندگان را تهدید می کند،

بلکه موجبات تخصیص بهینه منابع را برای تولید و عرضه کالا یا خدمت انحصاری از بین می برد و خسارات اقتصادی هنگفتی از جمله تخصیص نابهینه منابع تولید را به بار آورد.

از سوی دیگر انحصار مانع ورود سایر افراد به فعالیتهای اقتصادی و سرکوب کردن استعدادهای انسانی برای انجام کار و فعالیت و کوشش می شود و در نتیجه به محصور کردن تولید ثروت در دست عده ای محدود و خاص و توزیع ناعادلانه ثروت و درآمدها در جامعه منجر می شود.

حذف انحصار و فراهم کردن فرصتهای برابر برای همگان و تشویق رقابت سالم در بازار به تخصیص بهینه منابع و در نتیجه تولید و توزیع ثروت و درآمد توسط تمام آحاد جامعه کمک می کند. و به تبع آن عدالت اجتماعی و اقتصادی نیز در جامعه تحقق می یابد.<sup>۵</sup>

### گسترش عدالت اقتصادی:

یکی از اهداف اقتصاد اسلامی، گسترش عدالت اقتصادی است. تحقق عدالت اقتصادی مستلزم نقش فعال بخش خصوصی و نقش مکمل دولت است. از آنجا که بخش خصوصی، دو نوع فعالیت اقتصادی: فعالیتهای بازاری به انگیزه سود و فعالیتهای غیر بازاری به انگیزه‌ای از غیر سود انجام می دهد، بنابراین برای اینکه بخش خصوصی بتواند در تحقق عدالت نقش اصلی را بازی کند، باید دو شرط تامین شود:

الف- سامان دهی ساز و کار بازار برای تولید عدالت:

برای آنکه ساز و کار بازار بتواند به جای بی عدالتی، عدالت تولید و به رفع فقر و نابرابری کمک کند، باید در درجه اول رقابت سالم را جایگزین رقابت کامل کند. اگر رقابت به انگیزه نفع شخصی به وسیله ارزشهای اخلاقی

<sup>۵</sup> عباس زاده، حسن، مدیریت دولتی نوین و توسعه پایدار، ۱۳۸۴، انتشارات تدبیر، ش ۱۶۳، سازمان مدیریت صنعتی، ص: ۶۹-۲۰

مورد نظر اسلام تعدیل شود، در این صورت به جای رقابت کامل، رقابت سالم رخ خواهد داد که حافظ رشد و عدالت به صورت توأم است و در درجه دوم در بازارها، ساز و کار مشارکت در سود ایجاد و تقویت می‌شود و بازارهای کار و سرمایه به گونه ای سامان می‌یابند که سود حاصل از تولید را بین کار و نیروی کار و صاحبان سرمایه توزیع می‌کنند.

در نتیجه منافع حاصل از رشد تولید نزد عده ای محدود متمرکز نخواهد شد و به صورت خودکار همه عوامل تولید از این منافع بهره مند می‌شوند و تعارض رشد و عدالت تا حدودی رفع می‌شود.

ب- تقویت اقتصاد بدون سود:

برخی رفتارهای اقتصادی به انگیزه ایثار و ثواب آخرتی در حوزه اقتصاد بدون سود قرار می‌گیرد. اگر این بخش تقویت شود، به تحقق رشد همراه با عدالت کمک شایانی خواهد کرد.

## اصلاح ساختارهای سیاسی:

ساختار سیاسی بر ساختار حکومتی و نحوه اداره یک جامعه دلالت می‌کند. ساختار سیاسی حاکم بر جامعه می‌تواند تسهیل کننده یا بازدارنده توسعه پایدار و پویا باشد و خود از آن تاثیر پذیرد.

حرکت در جاده ناهموار توسعه به تحولی همه جانبه نیاز دارد. تغییر و تحول در ساختار سیاسی به معنای حرکت از تمرکز به عدم تمرکز و جلب مشارکت عامه است که آموزش همه جانبه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی راه را برای این تحول باز می‌کند.

اگرچه توسعه تحت حکومت‌های استبدادی هم ممکن است، اما قابل دوام و پایدار نیست. تحول در سطح ساختارهای سیاسی چند بعدی است نه یک بعدی و در سطوح مختلف رخ می‌دهد. بدین ترتیب نظام سیاسی با توسعه جامعه به نظامی فراگیر تبدیل می‌شود.

از این رو توسعه پایدار و پویا نیازمند حذف و رفع استبداد فردی یا گروهی و حزبی، نهادینه شدن دموکراسی، گسترش جامعه مدنی، آزادی تفکر و اندیشیدن برای همه مردم، فراهم کردن زمینه مشارکت همگانی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ایجاد و توسعه نهادهای سیاسی در چارچوب نظام سیاسی اسلام است.

نظام سیاسی اسلام بر پایه سه اصل حاکمیت مطلق خدا، توجه به حق تعیین سرنوشت توسط انسانها و توأم بودن دین و سیاست بنیان گذاشته شده است که زمینه تحقق دموکراسی دینی را فراهم می کند.

### اصلاح ساختارهای اجتماعی:

ساختارهای اجتماعی بر نهادهای اجتماعی و ساختارهای طبقاتی جامعه بشری و رابطه انسان با خود، دیگران و با طبیعت و تغییر سبک زندگی مردم دلالت دارند. تجربه کشورهای صنعتی نشان می دهد در روند توسعه، بافت اجتماعی پیچیده و از نظر ترکیب دچار تنوع و تکثر می شوند و قشر بندی تازه ای در آن پدید می آید و قشر بندی ساده جامعه سنتی جای خود را به ترکیبات بسیار در هم تنیده و پیچیده می دهد.

از سوی دیگر جامعه دچار تحرک می شود و جامعه ایستا و محصور در مکان گسترش می یابد و تحرک و مهاجرت شروع می شود. در نتیجه شهرهای تازه شکل می گیرند و زندگی شهری، روابط اجتماعی تازه ای را به همراه می آورند که در نتیجه باعث توسعه شهرنشینی، تغییر ساختار خانواده، جایگزینی فردگرایی به جای جمع گرایی، تغییر کارکرد و وظایف خانواده، تغییر نقشهای خانوادگی، حضور زنان در عرصه کار و فعالیت اقتصادی - اجتماعی برون از خانه، تعارض و جدایی بیشتر نسلها، از خود بیگانگیها، بی ثباتیها، وابستگیها، تضادها و دوگانگیهای اجتماعی و فرهنگی، از هم گسیخته شدن نهاد خانواده و ایجاد فواصل طبقاتی و... می شود.

از این رونظام اسلامی باید برای تحقق رشد و توسعه پایدار و پویا به تغییرات اجتماعی حاصل از توسعه توجه داشته باشد و برای اجرای تغییرات در نهادها و ساختارهای اجتماعی، نهاد خانواده، نهاد آموزش و پرورش، شهرنشینی و جمعیت شناختی و... بر طبق الگوی اسلامی توسعه اهتمام ورزد.

(د) بعد فرایندی توسعه و مشارکت:

توسعه یک فرایند است نه یک رخداد؛ فرایندی که در بستر ارزشها و باورهای فرهنگی در چارچوب ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، سازمانی و مدیریتی توسط انسانهای توسعه یافته تحقق می یابد. به عبارت دیگر تحقق توسعه منوط به مشارکت انسانهاست.

## نتیجه گیری:

دیدگاه قانون اساسی به اقتصاد به عنوان وسیله، جهت پیشرفت و تعالی اقشار جامعه در مسائل اقتصادی، معیشتی و رفاه عمومی می باشد. که نتیجه آن عدم تمرکز ثروت و سودجویی و نیز جلوگیری از فساد و تباهی در بین گروه خاصی از اقشار جامعه می باشد.

در رابطه با مبحث خصوصی سازی، تجربه نشان داده است با اینکه خصوصی سازی یکی از ابزارهای لازم تبدیل اقتصادی تحت کنترل دولت به اقتصاد بازار است، نوش داروی تمامی مشکلات نیست.

خصوصی سازی در شرایطی بیشترین تاثیر را دارد که بخشی از یک برنامه وسیعتر اصلاح اقتصادی و توسعه بخش خصوصی باشد. مزایای خصوصی سازی وقتی تامین می شود که دولت ایجاد محیط رقابتی را تضمین کند؛ رویه های مناسب برای کاهش هزینه، افزایش کیفیت و حمایت از بنگاههای کوچک و متوسط و بازسازی بنگاههای دولتی را فراهم کند و قوانین موثری برای کاهش بی عدالتی و فساد تنظیم نماید.

زیان دهی بسیاری از شرکتهای دولتی و نیازهای مالی آنان موجب رشد سریع وامهای پرداختی به اینگونه شرکتهای شده است.

در این چارچوب شرکتهای دولتی یکی از منابع اصلی مشکلات مربوط به اقتصاد کلان هستند و به منظور رفع این مشکل بحث خصوصی کردن شرکتهای دولتی در سالهای اخیر به طور جدی مطرح شده است. بسیاری از کشورها به صورت موثری اقدام به واگذاری واحدهای دولتی به بخش خصوصی نموده اند و بسیاری دیگر برنامه‌های خود را در این زمینه اعلام نموده و در مراحل اولیه خصوصی کردن واحدهای دولتی هستند.

باید در نظر داشت که خصوصی کردن شرکتهای دولتی به خودی خود یک هدف تلقی نمی گردد بلکه ابزاری در جهت تحقق سایر اهداف اقتصادی است. در این راستا بستر قانونی مناسب و باثبات برای این حرکت و داشتن سیاستهای پولی و مالی کارآمد شرط اولیه فعالیت در این مسیر است.

عدم توجه به این نکات می‌تواند کل فرایند خصوصی سازی را با شکست مواجه کند و چه بسا زیانهای جبران ناپذیری به دنبال داشته باشد.

در حال مقوله خصوصی کردن شرکتهای دولتی امروزه در اکثر کشورهای در حال توسعه از جمله کشورمان مورد بحث است. باید توجه داشت که تجربه کشورهای توسعه یافته در مورد بخش دولتی نمی‌تواند الگوی مناسبی برای استفاده کشورهای در حال توسعه باشد. زیرا کشورهای پیشرفته با ساختار خاص اقتصادی خود و زیربنای آماده فعالیت اقتصادی، در موقعیت کاملاً متفاوتی قرار گرفته اند.

واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی به هر ترتیب که صورت گیرد مشکلات خاص خود را به دنبال خواهد داشت. در کشورهای در حال توسعه فقدان بازارهای مالی کارآمد و بدهکاری زیاد این شرکتهای نیز نظرات متفاوتی که از بعد سیاسی - اجتماعی وجود دارد می‌تواند این حرکت را با عدم موفقیت روبه رو کند.

مطلق نمودن سیاست واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی به عنوان راه نجات کشورهای در حال توسعه گریز از تنگناهای موجود این کشورها تلقی می‌گردد و اگر سیاستگذاران این کشورها بدون در نظر گرفتن این موضوع به عنوان جزئی از فرایند بازسازی ساختار اقتصاد خود، آن را به عنوان تنها هدف و راه گریز درآورند چه بسا که به بیراهه بروند. همان‌طور که اشاره شد خصوصی سازی یک ابزار تلقی می‌شود نه یک هدف.

## منابع و مأخذ :

- ۱- افلاطون کارل بورمان، ترجمه محمد حسن لطفی
- ۲- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۷۳، چاپ نهم
- ۳- السباعی، مصطفی. جامعه توحیدی اسلام و عدالت اجتماعی، ترجمه علی محمد حیدری، تهران
- ۴- ابلاغیه مقام معظم رهبری در خصوص اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ ق.ا در تیرماه ۱۳۸۵
- ۵- پورتال سازمان خصوصی سازی ایران به نشانی: [www.ipo.ir](http://www.ipo.ir)
- ۶- بازارگاد، بهاءالدین، مکتب‌های سیاسی، ۱۳۷۹، نشر اقبال
- ۷- پورتال دبیرخانه شورای عالی اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ ق.ا به نشانی: [www.mefa.gov.ir](http://www.mefa.gov.ir)
- ۱۰- جمیل صلیبا، فرهنگ علوم فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی
- ۱۱- حکیمی، محمد رضا. ۱۳۶۸. الحیات. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ج ۵
- ۱۲- دیریاز، عسگر؛ عدالت اقتصادی در کلام و سیره علی(ع)، مجله حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰
- ۱۳- درآمدی بر مکاتب و اندیشه های معاصر، جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷
- ۱۴- رزاقی، ابراهیم- نقدی بر خصوصی سازی در ایران، ۱۳۸۸، انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا
- ۱۵- رحیمی بروجردی، علیرضا، سیاست های اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری، موسسه کمال علم، ۱۳۶۹
- ۱۶- رضوی، عباس. "رسالت عالمان در پاسداری از عدالت اجتماعی" مجله حوزه، شماره ۹۹
- ۱۷- ژرژ بوردو، لیبرالیسم، عبدالوهاب احمدی، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۸
- ۱۸- سید محمدباقر صدر. اقتصاد، اقتباس، ۱۳۷۶
- ۱۹- صدر، سید محمد باقر(۱۳۵۸)، اقتصاد ما، ترجمه موسوی بجنوردی، انتشارات جهاد دانشگاهی

- ۲۰- عدل الهی - شهید مرتضی مطهری، ۱۳۷۳، انتشارات طلوع
- ۲۱- عیوضلو، حسین. عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلامی. ۱۳۷۷، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- ۲۲- عیوضلو، حسین. نظریه اسلامی عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی، ۱۳۸۱، قم، بنیاد پژوهش‌های الهی‌گویی اسلامی پیشرفت
- ۲۳- عیوضلو، حسین، گستره قاعده عدالت، ۱۳۸۵، مجموعه مقالات چهارمین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، چالش‌های اقتصاد ایران و راهکارهای اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس
- ۲۴- عباس زاده، حسن، مدیریت دولتی نوین و توسعه پایدار، ۱۳۸۴، تدبیر، ش ۱۶۳، سازمان مدیریت صنعتی
- ۲۵-، غلامرضا علی بابایی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، ۱۳۶۹، ج ۱
- ۲۶- فشارکی زاده، حسن، سوسیالیسم برای قرن بیست و یکم، تهران، قدیس، ۱۳۸۶
- ۲۷- فلاحتی، مریم، توسعه انسانی و کار شایسته، کار و جامعه، ش ۷۳-۷۴، ۱۳۸۴، موسسه کار و تامین اجتماعی
- ۲۸- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تدوین هوشنگ نصرزاده. تهران: انتشارات خیام، چاپ دوم
- ۲۹- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۸۳. تهران، انتشارات سازمان چاپ
- ۳۰- قنبری، آیت، نقدی بر اومانيسم و لیبراليسم، قم، فراز اندیشه، ۱۳۸۳
- ۳۱- قره باغیان، مرتضی، خصوصی سازی به مثابه ابزاری برای تعدیل اقتصادی، ۱۳۷۲، پژوهش و مجلس، ش ۲، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران
- ۳۲- موسوی، سید جمال الدین، عدالت اجتماعی در اسلام، ۱۳۸۰، انتشارات دارالفنون، ص ۲۲۰-۲۲۱

۳۳- محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱

۳۴- میر معزی، سید حسین، نظام اقتصادی اسلام // اهداف و انگیزه‌ها، ۱۳۸۸، تهران، کانون اندیشه جوان

۳۵- موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ ق.ا. مصوب ۱۳۸۷

۳۶- موسویان، سید عباس، عدالت محور آموزه‌های اقتصادی اسلام، ۱۳۸۰، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره چهارم

۳۷- متوسلی محمود، خصوصی سازی یا ترکیب دولت و بازار در توسعه اقتصادی، ۱۳۷۳ موسسه مطالعات و

پژوهش های بازرگانی

۳۸- نوری، محمد علی ، حقوق و فقر، ۱۳۸۰ تهران، گنجینه

۳۹- نظریه های عدالت در عرصه اقتصادی از واگرایی تا همگرایی. فصلنامه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۵ ، ش ۲۱

۴۰- نخستین گزارش اجرای قانون اجرای سیاست کلی اصل ۴۴ ق.ا. وزارت امور اقتصادی و دارایی - بهمن

۱۳۸۷

۴۱- هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام های اقتصادی - ۱۳۸۹

۴۲- یوسفی نژاد، علی، فرهنگ، توسعه و دین (الزام ها و ضرورت ها)، ۱۳۸۶ اقتصاد اسلامی، سال سوم، ش ۱۲،

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی